

# کارگر

## کار، خانه، مزد مناسب!

کارگر را بخوانید، کارگر را به دوستان خود برسانید، به کارگر مطلب بنویسید و گزارش تهیه نمایید، کارگر نشریه شما و پژواک زندگی شماست.

ارگان نشراتی انجمن اجتماعی کارگران افغانستان



ص ۱

سنبله ۱۳۹۱

سال چهارم - شماره بیست و یکم

## ۵ کارگر سر بریده شد و ۹ تن قربانی انفجار

کودکان بجای نان و خانه گور و کفن دادند؛ در جبهات با آنکه اکثریت طبقه کارگر ضد روس ها می جنگید ولی تنظیم های جهادی علیه این طبقه به صفت یک طبقه خصومت ورزیدند.

حال که سرمایه مالی امپریالیسم و سرمایه وابسته به امپریالیسم بر افغانستان مسلط اند؛ کارگران کار نمی یابند، نان ندارند، خانه ندارند، در قدرت سیاسی فاقد سهم و در منابع تولیدی از اکثر حقوق تثبیت شده خویش محروم اند. با وجود این همه استبداد، کارگران گروه گروه آگاهانه سر بریده شده،

بقیه ص ۲

در افغانستان وقتی از طبقه کارگر نام برده میشود، گوش سیستم سرمایه و ارتجاع چر شده مو بر اندام شان راست میگردد. در این کشور با قید استثمار کار مزدی، خصومت مهار نشده نی ای از نظام سرمایه و پادوانش علیه طبقه کارگر در جریان است.

در 34 سال اخیر، سرمایه متجاوز روسی و دو حزب نوکرش ( خلق - پرچم ) به ایدئولوژی و پرستیژ جهانی طبقه کارگر خیانت تاریخی کردند: زیر شعار اتحاد کارگران و دهقانان ( داس و چکش ) مردم عادی و انقلابیون را اعدام کردند و به زنان و

## برای نجات از بدبختیها در تاریکی مشت نزنید بر نظام سرمایه داری هجوم برید!

متقابلاً پایین آمدن نرخ کسب سود؛ سرمایه های انحصاری امریکا و اروپا، چه در دوران جنگ سرد و چه در پایانش، ناگزیر شدند تا بن بست را بشکنند و برای تقسیم مجدد جهان دست به تجاوزات تازه ای بزنند. در چنین اوضاعی، تجاوز روس ها به افغانستان، غصب ثمره انقلاب ایران، بوسیله ارتجاع آخندی و تجمع گروه های مذهبی افغانستانی در پاکستان و ایران، تمسکی شدند برای حرکت سرمایه انحصاری امریکایی ها و اروپایی ها به افغانستان و اطراف این کشور.

بقیه ص ۲

در افغانستان سبب استثمار طبقه کارگر، علل استبداد بر زنان و کودکان، فقر دهقانان و حاکمیت فضای ترور و وحشت، بی تردید وجود مناسبات سود جویانه امپریالیسم و سود جویی سرمایه وابسته داخلی است؛ نه مسایل فرعی که عواماناس و چپ خلق گرا و ناردونیک بر آن چسبیده اند.

با مشبع شدن بازارهای داخلی امریکا و اروپا از تولید کالا، با بلند رفتن مخارج زندگی طبقه کارگر در آن کشورها، با محدود شدن محیط انباشت سرمایه و

## سیاس از سیامک ستوده

اسلامی ایران، در بهار و تابستان امسال در مناطقی چون کرج و یزد، به اوج خود رسید. سیامک ستوده فعال انترناسیونالیست کارگری و مدافع استوار حقوق انسان ها با جمعی از سازمان ها و افراد چپ سوسیالیست و دموکرات افغانی و غیر افغانی، در دفاع از حقوق کارگران و پناهندگان افغانی مقیم ایران، کمپاین وسیعی را در کانادا و اروپا راه انداخت. در نتیجه این کمپاین، ماه گذشته تعدادی از شهرهای اروپا و کانادا شاهد تظاهرات، میتینگ ها و پخش اعلامیه ها در دفاع از حقوق کارگران و پناهندگان افغان و افزایش اعمال ضد بشری دولت اسلامی ایران بودند. انجمن اجتماعی کارگران افغانستان با سپاس از سیامک ستوده و سایر مبارزان این کمپاین؛ همبستگی اش را در راه مبارزه با استثمار و استبداد سرمایه با این رزمندگان آزادی خواه و برابری طلب، ابراز مینماید.

شریفی رییس انجمن

در اثر فقر، بیکاری، استبداد و نا امنی که زاده سلطه امپریالیسم و سلطه سرمایه وابسته داخلی است، کتله های بزرگی از کارگران و پناهندگان افغانستانی جبراً در ایران کار و زندگی میکنند. سپاه پاسداران و بسیجی های دولت فاشیست اسلامی سرمایه وابسته ایران، به بهانه های مختلف خلاف همه موازین کنوانسیون حق پناهندگی و حق سازمان بین المللی کار، به منازل کارگران و مهاجران افغانی هجوم میبرند، خانه هایشان را آتش میزنند، افغان ها را از خانه هایشان بیرون رانده به قتل میرسانند و یا با جرایم اندک به جوخه دار میسپارند. مزد کارگران را نیمپردازند، کارگران را جبراً از کار اخراج میکنند و با چاق کردن تبعیض قومی و مذهبی که خصلت طبیعی دولت فاشیستی آخند هاست، برای گشت و گذار کارگران و پناهندگان افغانستانی مناطقی را ممنوع اعلام میکند. این برخورد ضد بشری جمهوری

## نجیبه در ولایت پروان تیر باران شد

وحشیانه خود میدانند. بر بنیاد تحقیقات گروه پارلمانی، نجیبه ابتداء چون کلایی جبراً خرید شده مورد هوس رانی مردی قرار میگردد. نجیبه پس از ستم کشی ها، در موقع مناسب از مالکش ( شوهر ) فرار

کاملاً غیر منطقی است که فکر شود، در حاکمیت نظام سرمایه داری و سلطه ارتجاع، زن آزاد باشد و دارای حقوق برابر با مرد ها؛ زیرا بورژواها و مردان مرتجع، زن را کالا و وسیله اطفای هوس های



بقیه ص ۲

**برای نجات است بدبختیها ...**

امریکا، اروپا و شرکای امپریالیست چینی و جاپانی شان، با صدور سرمایه های جنگی (پول و اسلحه به تنظیم های جهادی به صورت پیش زمینه)، با صدور کالاهای تجاری، با شیوع دادن مواد مخدر، با بزر ناسیونالیسم و حمایت از تشکل های متعصب مذهبی - قومی افغانستان، پاکستان، ایران، آسیای مرکزی، چین، بالکان و شرق میانه، چنان باتلاقی ایجاد گردید، که انگار تروریسم مذهبی، ناسیونالیسم هار قومی، کشت، تولید و ترافیک مواد مخدر، تکثر باندهای قاچاق، ظهور دسته های لمپنی، تبارز مافیای آدم ربایی و زمین دزدی، شیوع خرافات، زن ستیزی، فقر، مهاجرت ها و کدورت دیوانه وار نسبت به طبقه کارگر، چون سمارق از زمین روییدند.

بناء، این حرکت قوانین عام سرمایه انحصاری، رقابت ها و استبداد سیاسی

حاکم امپریالیست ها و منافع سرمایه وابسته بوده که زمینه رشد این همه گروه ها و فرهنگ آزادی کشی، تخدیر و پکر ساختن اقشار محروم جامعه و سرباز گیری از این باتلاق را آماده ساختند؛ با این وصف، گروه ها و دسته های فوق نه تماماً یک بیک بدست سرمایه انحصاری و سرمایه های وابسته ایجاد شده و نه هم اهداف این گروه ها فقط همان اهداف سرمایه انحصاریست؛ این گروه ها اتوپیایی مخصوص بخود را در کله دارند؛ از همین رو اینان گاه و بیگاه با سرمایه های انحصاری با سرمایه وابسته و برعکس نیز، در تصادمند ( حادثه برج های تجارتی، زدن اسامه، ترور مهره های کلیدی دولت افغانستان و...)؛ اما در جهانی که امپریالیسم و سرمایه داری عصر امپریالیسم مسلط است، این گروه ها با تمام استقلال ظاهری و مدینه فاضله مخصوص بخود شان، جز زاییده و وسیله سرمایه های انحصاری و سرمایه های وابسته، چیزی دیگری نیستند.

بر این مبناء، وظیفه کلیدی و درنگ ناپذیر فعالین جنبش های کارگری و آزادی خواهی این است که: اولاً، از بکار برد ادبیات گنگ و کرنشی در برابر امپریالیسم و سرمایه وابسته ( داخلی ) و از این هم بدتر، از دنباله روی از توده عوام، دست بردارند. ثانیاً، فعالین جنبش های کارگری و آزادی خواهی نباید از مواضع ناسیونالیستی و عموم خلقی برای طبقه کارگر و بشریت آزادی و برابری بخواهند؛ زیرا، هر دو موضع فوق، طبقه کارگر و زحمتکشان متمایل به اهداف این طبقه را از موضع دموکراسی خواهی پیگیر کارگری و مبارزه روشن طبقاتی خارج ساخته، شعارها و ادبیات رزمنده کارگری را بی خاصیت کرده طبقه کارگر و زحمتکشان مبارز دموکرات را به سیاست ها و مواضعی میکشانند که: گویا با حفظ سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته هم میشود، طبقه کارگر و بشریت به آزادی، رفاه اجتماعی و دنیای فارغ از استبداد و استثمار دست یابند. چپ های ناسیونالیست،

پوپولیست و دنباله رو عوام، این را تا هنوز درک نکرده اند که: وجود سرمایه های انحصاری و سرمایه وابسته داخلی، قبله و زادگاه کلیه اسارت ها، محرومیت ها و بدبختی های اجتماعی بشر اند، یعنی، تا زمانیکه بردگی کار مزدی بر تولید اجتماعی حاکم است و طبقه کارگر بیگانه از محصول کار خویش: فقر، استثمار، استبداد و ترور ادامه خواهد داشت؛ بر زمینه ها تجاوز شده، نجیبه ها، شکیلها پس از تجاوز همچنان اعدام خواهند شد؛ کارگران سر بریده شده و تجاوز ملا امامان جنایتکار بر کودکان معصوم شکرده ای ها و سمگانی ها تکرار خواهد شد. لذا، برای نجات طبقه کارگر و تمام بشریت از ستم، استثمار و محرومیت های اجتماعی، باید قبله این همه بدبختی ها یعنی سرمایه های انحصاری و سرمایه وابسته را افشاء ساخت و مورد هجوم قرار داد؛ نه با عام گویی ها عوامانه در تاریکی ها چپ و راست "شمشیر" زد و خود را فاتح معرکه خواند.

**پنج تن کارگر ...**

آگاهانه ترور میشوند:

در ماه اسد امسال تروریست ها 5 کارگر را که برای فروش نیروی کارشان به محل کار میرفتند در راه جلریز سر بریدند. هنوز خون ارجمند این کارگران نخشکیده بود که 9 تن کارگر دیگر که برای دریافت کار از پغمان طرف کابل در حرکت

بودند، روی یک پل با بمب جاسازی شده، پارچه پارچه شدند. باری این خصومت هار تا هنگامیکه کارگران آگاهی طبقاتی نیابند، تشکل مستقل خود را نسازند، نظام سرمایه داری را نقد و لغو مالکیت نکنند؛ کماکان ادامه خواهد داشت.

**تشکل کارگران یک ضرورت تاریخی بشر است!****ملا امام جنایتکار**

در اوایل ماه اسد در ولایت سمنگان ملای مسجد بر دختر خرد سالی تجاوز کرد؛ ملا صاحب خواست این جنایت را زیر عباء و قبایش پنهان سازد و همچنان به "جلوه در محراب و منبر" ادامه دهد؛ ولی مردم انسان دوست سمنگان که نجابت و کرامت انسانی و بخصوص حقوق کودکان را هرگز فدای جلوه های کاذب ملای جنایتکار نمی کنند، فساد بونیاک ملا صاحب را از لابلای اکتھای عق

آورش به بیرون ریخته، تشت رسوایی اش را از بام بر زمین زدند. شهروندان گرمی سمنگان با این عمل انسان دوستانه شان نه تنها عمل ضد انسانی یک ملای جنایت پیشه را رسوا ساختند؛ بلکه به مردم افغانستان این درس را نیز دادند که: تماس ها و آموزش فرزندان خود را جداً زیر مراقبت داشته باشند که در عقب جلوه های محراب و منبر چه اعمال زشتی میتواند پنهان باشند.

**سپاس از مردم بیدار سمنگان!****نجیبه در ولایت پروان ...**

میکند. این خانم که فاقد پناهگاست، بدست دو قوماندان طالب (ملا عزت و نادر) میافتد، نجیبه بین این دو جنایت کار چند ماه چون شیئی دست بدست میگردد، تا هر دو بنابر

مسلسل مشبک شده است.

آری، تا زمانیکه بجای شخصیت انسان کالا شخصیت یافته و شخصیت انسان کالا شده است، سرنوشت نجیبه ها چنین خواهد بود. برای این که نجیبه ها دیگر کالا



**تا ارتجاع و مالکیت خصوصی حاکم است  
زن شی ایست برای هوس رانی های مرد**

اختلافات بین هم کشته شده، غنیمت (نجیبه) زنده میماند. حال برای اینکه قضیه افشاء نگردد، زن اسیر در مله عام به صفت مجرم اعدام میگردد. ارگان های دولت پوشالی (امنیت و پولیس پروان) زمانی از قضیه اطلاع مییابند که تن نجیبه بی دفاع با

نباشند، مورد تجاوز قرار نگیرند و در مله عام اعدام نگردند؛ باید این دنیای استثماری و آلوده با جنایت را از بنیاد بر انداخت. و این، فقط رسالت تاریخی جنبش آگاه و متحد طبقه کارگر است.

## سید واحد بهشتی جنایتکاری در شورای ولایتی بامیان

طی ۱۲ سال سلطه مستقیم سرمایه انحصاری امریکا و اروپا بر افغانستان، جنایت کاران جنگی، مافیای زمین، آدم ربایان، قاچاق بران، معامله گران، افراد زن ستیز، دشمنان آزادی و تمدن، عناصر کتاب سوز، قوم باز و متعصب مذهبی که محصول دوران جهاد، جنگ های تنظیمی و سلطه مستقیم امپریالیست ها بوده اند؛ از راه تقلب، پول و زور اسلحه، با فیصدی بالا به دو دوره پارلمان و شوراها در ولایتی راه یافتند. این عناصر در رسیدن به پارلمان، نه تنها با خصایل زشت گذشته خود وداع نکردند، که ننگین تر از گذشته با معاملات جدید، چون: زد و بندهای سیاسی، گردن شکنی به پاکستان و ایران، رابطه با



بهشتی یکی از همین چوچه های بد و مضر است که بر شکیلای ۱۲ ساله تجاوز میکند و بعداً وی را به قتل میرساند. ولی ارگان های دولت سرمایه وابسته که مجموعاً کمیته سیاسی سیستم سرمایه است و این جنایتکار (سید واحد) در این ارگان ها از جمله در پارلمان بوسیله برادرش صاحب نفوذ است، عرض و داد خانواده شکیلای و مظاهره داد خواهانه نهادهای جامعه مدنی اثری بجا نگذاشته سید جنایتکار هنوز روی کرسی شورا تکیه داده برای تکرار جنایت، بدور دختران معصوم دیگر غمبر میزند.

قاجاقچیان، شرکت در اختطاف انسان ها، تصویب فیصله های به غایت ارتجاعی، بی تفاوتی نسبت به حقوق طبقه کارگر و حقوق سایر شهروندان، دورویی در تصامیم، اخذی از وزرا، لوس زدن در ادارات، انجوسازی، عدم نظارت بر اعمال حکومت، بی عرضگی در انتخاب هیئات اداری پارلمان و نظایرش، در انتظار مردم و مطبوعات خود را به نمایش گذاشتند. این نمایش ها این را بیان میکنند که: وقتی چپاولگران دوران جهاد با غولی چون امپریالیسم عقد سیاسی نمایند؛ چه بد و مضر چوچه میدهند! سید واحد

### هر خیزش خود بخودی مثبت و مترقی نیست

وقتی کمتر از ۵۰ کشور سرمایه داری جهان به رهبری امریکا و دولت دست آموز شان که نخواستند و یا نتوانستند جلو ترور، سر بریدن ها و جنایات دیگر طلبان را بگیرند؛ وقتی ده ها درجن حزب، جبهه و تشکل های رسمی و غیر رسمی با مشی ها و شعارهای ارتجاعی شان از طرفی در فساد اداری و جنایات دیگر با ارگان های رسمی شریک شده و از طرف دیگر در دفاع از حیات مردم و تأمین امنیت در افغانستان هیچ حرکتی از خود نشان ندادند؛ مردم عام افغانستان قطعاً حق دارند و مکلفند که در برابر جنایت کاران متحجر و مزدور، در غزنی، لوگر، لغمان، ننگرهار، کنر، هلمند، جنوب و شمال افغانستان برای ادامه حیات خود و اولاد شان، تفنگ و شمشیر بگیرند. اما، بلا درنگ این را باید به این اوضاع اضافه کرد که: در خیزش هاییکه آزادی تشکل، آزادی سیاسی، آزادی اندیشه و آزادی بیان وجود نداشته، خود بخودی بودنش مشکوک و دور نمایش حیات دموکراتیک شهروندان را نوید ندهد؛ این جنبش ها هر قدر هم در لاف تقدسات مذهب و ناسیونالیسم پیچیده شده باشند، چنانچه چپی ها و مردم عام افغانستان از زمان تجاوز روس ها و بعداً هجوم طالبان درس گرفتند؛ عواقب خطرناک تر از اعمال جهادی ها و طالبان را در پی خواهند داشت.

زمان تجاوز روس ها چپی های پوپولیست شعار دادند که: هر که ضد روس هاست از جمع خلق است و هنگام هجوم طالبان به کندهار، دهن برخی از همین چپی ها و روشنفکران تا گوش هایشان "پیخ" شد؛ که خوبست جنایت کاران را سر کوب میکنند. و حال نیز، بعضی از گروه های چپ خلق گرا در نشرات انترنیتی شان، در نقطه خاک باد ایستاده با نظاره کف پای این جنبش به اصطلاح "خود بخودی"، عامیانه شادی و پایکوبی دارند. این ها تا هنوز از دنباله روی درسی نگرفته و این را درک نکرده اند که: در جهان امپریالیسم جز جنبش آگاه و معتقد به رهبری مستقل سیاسی - ایوتولوژیک طبقه کارگر، راهی بسوی زندگی آزاد، مرفه و انسانی برای بشریت وجود ندارد.



## یک رسوایی دیگر ملا، این بار در شکر دره کابل

است. به ادامه این قضایا؛ چند ماه قبل یک ملا از قریه غازه شکر دره دو دختر خرد سال را اختطاف کرد که به اغلب گمان ها به پاکستان قاچاق شدند.

کشف و بر ملا شدن جنایات علیه زنان، دختران و کودکان در این زمان، بیانگر این نیست که به تعداد جنایات در افغانستان افزوده شده است؛ بلکه بیانگر این است که به هشیاری مردم، به زدودن شرم و ننگ های ارتجاعی و به بیداری مطبوعات در این کشور اندکی افزوده شده است.

مردم وقتی ملای آلوده به جنایت را به پلیس تسلیم میکردند، در آرزوی روزی بودند که همه عناصر مضر و مودی از زندگی آرام بشر از نوع این ملا، دزدان، قاچاق بران، آدم ربایان، دشمنان آزادی زن، آزادی انسان، رشوه گیران، اختلاس گران، خرافه پرستان و قوم بازان جاروب گردند. اما مردم ستم دیده افغانستان این را باید درک کنند که: تا زمانیکه در جامعه ستم و استثمار وجود دارد، تا زمانیکه مالکیت خصوصی پاشنه چرخش جامعه است، تا زمانیکه پدر زرمینه ها دختر خود را بخاطر پیدا کردن 5 گرده نان قربانی ملای فاسد و جنایت کار میکنند، طبقات و افراد مضر و مودی اربابان ستمکشان خواهند بود. برای نابودی این همه حشرات مضره ( ستمگران) به تشکل مستقل طبقه کارگر و اتحاد زحمتکشان به دور این تشکل، ضرورت عاجل جامعه است.

حویلی زرمینه را مورد حمله قرار داده وی را به داخل اتاق میکشد؛ زرمینه دختر شجاع و نجیب تسلیم ملای جنایت کار نشده طرف ملا چنگ میاندازد، چون ببر بر ملا می گرد و بر ریش و رویش تف میاندازد. چند لحظه بعد در اثر شیون زرمینه همسایه ها خبر شده ملا خود را زیر "توشک" های اسفنجی پنهان می نماید ولی چاره نشده در هنگام فرار مردم دلیر شکر دره ملا صاحب را دستگیر کرده در حد الاغی که در "پاده" لت میخورد، ملا صاحب چنان میشود. بعد مردم با دیدن لکه های خون بر تنان ملا، درک میکنند که ملا جنایت را انجام داده است.

**رسوایی دیگر ملا:** وقتی مردم پلیس و ولسوالی را در جریان قرار میدهند، ولسوال که فردی متعصب، قرون وسطایی، ضد حقوق زن و ضد حقوق انسان است، میخواهد جنایت ملا را پنهان سازد، از رسمی شدن و درز کردن قضیه به مطبوعات جلو گیرد؛ لیکن در جریان تحقیق از مایل ملای جنایت کار صحنه های رقص زنان عربان و مسایل سکس بدست پلیس و نیروهای امنیتی میافتد که ولسوال را در دفاعش از جنایت سست و بیچاره ساخته قضیه رسمی میگردد. گذشته از این جنایت، از یک سال بدینسو در ولسوالی شکر دره جسد چند زنی پس از تجاوز و جسد دختری در حد شش سال، به وسیله مردم پیدا شده، و به دست پولیس افتاده

حسابی چرب میکنند و ملا صاحب از میوه های تازه باغ های شمالی سیر خورده دم به دم آروق میزند؛ شبیه به یک جانور وحشی، سر از پا نشناخته چنان مست شده که حاضر است عبادتش را فدای یک جنایت کند و با تمام نول پاکی ها، بر پسران و دختران این مردم نجیب تجاوز نماید. 18 اسد که ساعت 7 صبح است، ملا صاحب با چشمان سرمه کشیده، ریش شانه خورده و دستار گردک از پنجره های مسجد به باغ های سبز شمالی میبیند، ملا که حال از کنترل خارج است؛ چشمان ردیلانه اش زرمینه دختر خانه پهلوی مسجد را شکار میکند. پدر زرمینه که کارگر روز مزد است رفته تا گندمی را درو نماید پول 5 قرص نان را پیدا کند. مادر زرمینه نیز از خانه به نسبتی کاری بیرون شده؛ زرمینه آماده پاک کاری خانه است، اما ملا آماده انجام یک جنایت نابخوشدونی.

باری اکنون که دیگر نمی توان ملا صاحب را با زنجیر ها مهار ساخت؛ همه مواعظش را چون: "خداوند از رگهای گردنتان به شما نزدیک است و همه اعمال شما را میبیند" بر باد داده، در ماه رمضان سرا پا جنایت شده است، روی

مطیع الله از ولایت بغلان در ولسوالی شکر دره کابل ملا امام مسجد است. ملا صاحب هر شام و سحر بر نماز گزاران اعتراض دارد که ریش و لباست برابر به شریعت نیست، فلان چیزت زیاد و فلان چیزت کم است خود را به شریعت آراسته بسازید ورنه روزه و نمازتان در هوا معلق است. ملا مطیع الله در انظار عامه خود را چنان وانمود میسازد که انگار فرشته است، هرگز جنایت نکرده و در فکر بد اخلاقی و جنایت نیست. هرگاه سخن از جنایت و فساد اخلاقی بمیان میآید ملا صاحب دم به دم نول پاک میکند که وی هرگز از این نواله نخورده و پیش خدای خود رو سیاه نیست. مردم شکر دره که مردم پاک طینت، ساده و مهربان اند، تعدادی سخنان ملا را راست باور میکنند خود را جمع و جور میسازند تا مورد اعتراض قرار نگیرند. اما تعدادی از جوانان، مکتب خوانده ها و تحصیل کرده گان که به داستان دیروز ملای لنگ در زمان توطئه علیه امیر امان الله، و تربیه مالاها بدست آی اس آی پاکستان برای تخریب کاری در افغانستان و تجاوز ملای جنایتکار در سمنگان به آن دختر معصوم در اوایل اسد را در ذهن دارند، حدس میزنند که شاید زیر ریش این ملا فتنه ای پنهان باشد. ولی شکر دره ای ها که با تمام سخاوتمندی هر شام و سحر شکم ملا را

## تگرگ گلوله بر سینه بیش از ۳۰ کارگر در افریقای جنوبی

متواتر نغمه دموکراسی می نوازد، به روی کارگران اعتصابی آتش گشود و بیش از 30 تن از اعضای طبقه کارگر جهان را به هلاکت رساند.

انجمن اجتماعی کارگران افغانستان که تشکل مدافع حقوق کارگران جهان است و در رابطه به استبداد علیه طبقه کارگر و انسان، مرزی را به رسمیت نمی شناسد، این عمل ضد انسانی دولت سرمایه داری افریقای جنوبی را محکوم کرده تسلیم خود را به خانواده های کارگران به خون خفته و طبقه کارگر جهان ابراز میدارد.

در افریقای جنوبی بیش از 30 تن اعضای خانواده کارگری جهان تیر باران شد. کارگران معدن به روز پنجشنبه ماه اسد به خاطر تحقق مطالبات کارگری شان دست به اعتصاب زدند، دولت افریقای جنوبی که نماینده سرمایه افریقای جنوبی و امپریالیسم جهانیست و



صاحب امتیاز: انجمن اجتماعی کارگران افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر

شماره تلفون: ۰۷۸۸۲۵۶۹۷۳

ایمیل آدرس: kargar.af@gmail.com

پوست بکس: ۱۰۰۷۲ کابل دهبوری